

## بازتاب فقه در قوانین مجازات کشورهای شافعی مذهب؛ مطالعه موردی اندونزی، بروئی، مالزی و یمن

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۵

روح‌الله اکرمی<sup>۱</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مهم در خصوص نظام کیفری کشورهای مسلمان به این موضوع برمی‌گردد که فقه اسلامی چه موقعیتی را در آنها داراست و قانون‌گذاران چه رویکردی نسبت به این مسئله اتخاذ نموده‌اند؟ در راستای تبیین این مسئله در نوشتار حاضر در قالب مطالعه‌ای موردی و به روش تحلیلی-توصیفی نظام کیفری و مقررات چهار کشور دارای جمعیت اغلب شافعی مذهب اندونزی، بروئی، مالزی و یمن مورد مطالعه قرار گرفته است. درحالی که پیشینه قوانین کیفری جاری در این کشورها نشان از آن دارد که تا دوره‌ای طولانی ملهم از خاستگاه‌های خارجی بوده‌اند، به مرور زمان به نهضت اسلامی‌سازی در قلمرو کیفری پیوسته‌اند؛ هرچند در این خصوص برخی قوانین شرعی را در سطح کشوری و بعضی به صورت منطقه‌ای وضع نموده‌اند. افزون بر آن در بعضی از این کشورها قوانین شمول بیشتری نسبت به جرایم و مجازات‌های شرعی نسبت به دیگران دارند. با وجود این در کشورهای مورد مطالعه تقنین بر مدار فقه شافعی مبتنی است، هرچند در مواردی نیز به مواضع دیگر مذاهب اهل سنت عدول کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** حقوق کشورهای آسیای جنوب شرقی، حقوق کیفری اسلامی، فقه جزایی، فقه شافعی، قانون‌گذاری شرعی.

## مقدمه

شریعت اسلام به عنوان یک سیستم ارزشی و حقوقی کامل سازگارترین نظام با تحولات جهانی است<sup>۲</sup> که در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای مسلمان به عنوان دین رسمی اعلام شده<sup>۳</sup> و حتی فراتر از این در تعداد قابل توجهی از آنها بر منبع بودن احکام و موازین اسلام در تقنین تصریح گردیده است<sup>۴</sup>. با وجود این، پیاده‌سازی فقه اسلامی در قلمرو کیفری این کشورها به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است، به گونه‌ای که مقررات جزایی اغلب آنها از آبشخورهای غربی سیراب شده‌اند؛ برای نمونه، قوانین ترکیه<sup>۵</sup>، سومالی<sup>۶</sup> و لیبی<sup>۷</sup> از ایتالیا؛ قوانین الجزایر<sup>۸</sup>، تونس<sup>۹</sup>، لبنان<sup>۱۰</sup> و مصر<sup>۱۱</sup> از فرانسه؛ مقررات جمهوری‌های آسیای میانه مانند آذربایجان، ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان از حقوق شوروی؛ و قوانین بنگلادش<sup>۱۲</sup>، گامبیا<sup>۱۳</sup> و نیجریه<sup>۱۴</sup> از کد جزایی ۱۸۶۰ هند که به نوبه خود

۲. رضا رنجبر، رحیم وکیل زاده و سلیمان عالی ملک طالش، «رویکرد فازی در نظام شریعت»، مطالعات حقوقی معاصر، ش ۳ (۱۳۹۰)، ص ۱۱۹.

۳. قوانین اساسی بسیاری از کشورها نظیر اردن، الجزایر، بحرین، برونی، بنگلادش، پاکستان، تونس، جیبوتی، صحرای غربی، کومور، لیبی، مالزی و یمن بر چنین اصلی تصریح کرده‌اند.

۴. اصل ۷ قانون اساسی امارات متحده عربی، اصل ۴ قانون اساسی ایران، اصل ۵ قانون اساسی سودان، اصل ۳ قانون اساسی سوریه، اصل ۲ قانون اساسی عراق، اصل ۷ قانون اساسی عربستان، اصل ۲ قانون اساسی عمان، اصل ۴ قانون اساسی فلسطین، اصل ۱ قانون اساسی قطر، اصل ۲ قانون اساسی کویت، اصل ۳ قانون اساسی مراکش، اصل ۲ قانون اساسی مصر و مقدمه قانون اساسی موریتانی را باید در این بستر مد نظر قرار داد. گفتنی است در قوانین اساسی بعضی از کشورها نیز هرچند بر منبع بودن اسلام در قانون گذاری تصریحی نشده، لکن تأکید گردیده است که امکان تصویب قانون برخلاف شریعت وجود ندارد. مفاد اصل ۳ قانون اساسی افغانستان، اصل ۲ قانون اساسی سومالی و اصل ۱۰ قانون اساسی مالدیو متضمن چنین رویکردی هستند.

5. Hunt Janin and André Kahlmeyer, *Islamic Law: The Sharia from Muhammad's Time to the Present*, (North Carolina: McFarland, 2015), p. 166.

6. H. Marshall, "The Penal Code of the Somali Democratic Republic", *the International and Comparative Law Quarterly*, Vol. 21, No. 1 (1972), p. 197.

۷. امین مصطفی محمد، *قانون العقوبات القسم العام: نظریه الجرمیه*، (بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ج ۱، ۲۰۱۰)، صص ۹-۱۱.

۸. عبدالله أوهاییبه، *شرح قانون العقوبات الجزائری: القسم العام*، (بی جا: موفم للنشر، ۲۰۰۹)، ص ۵۳.

۹. فرج قصیر، *القانون الجنائی العام*، (تونس: مرکز النشر الجامعی، ۲۰۰۶)، صص ۳۰-۳۱.

۱۰. محمدعلی السالم عیاد الحلبي، *شرح قانون العقوبات: القسم العام*، (عمان: مکتبه دار الثقافه للنشر و التوزیع، ۱۹۹۷)، ص ۱۳.

۱۱. محمود محمود مصطفی، *اصول قانون العقوبات فی الدول العربیه*، (قاهره: دار النهضه العربیه، ج ۱، ۱۹۷۰)، ص ۱۷.

12. Edward Phillips, "The Codification Enterprise: Principled Law Reform and the Indian Penal Code", *Jersey and Guernsey Law Review*, Issue 2 (2017), p. 166.

13. Joseph Renner Maxwell, "Modes of Legislation in the British Colonies: The Gambia", *Journal of Comparative Legislation and International Law*, Vol. 1 (1897), p. 378.

14. Edward Phillips, *op. cit.*, p. 166.

متأثر از حقوق کامن‌لای انگلیس است اقتباس شده‌اند. قوانین برخی از کشورهای دیگر را نیز باید به این فهرست اضافه کرد که با تأثیر پذیرفتن از مقررات برخی دیگر از کشورهای مسلمان به‌طور غیرمستقیم از خاستگاه‌های غربی الهام گرفته‌اند، که اقتباس قوانین مجازات افغانستان و عراق از مصر، و اردن و سوریه از لبنان<sup>۱۵</sup> را می‌توان در این بستر در نظر گرفت.

در کنار کشورهای پیش‌گفته، تعدادی از نظام‌های کیفری کشورهای اسلامی تلاش نموده‌اند تا در مسیر اجرای احکام فقه اسلامی در امور جزایی حرکت کنند که البته برخورد آنها در این عرصه همسان نیست. تاحدی که پژوهش نگارنده این سطور نشان می‌دهد در زمینه حقوق کیفری کشورهای اسلامی که بر مدار فقه شکل گرفته‌اند، تحقیقات مستقلی که توانسته باشد موضوع را به شکل جامعی بررسی نماید، چه به زبان فارسی و چه دیگر زبان‌ها ارائه نشده است و اندک پژوهش‌هایی در قلمرو محدود به مطالعات میان چند کشور مشخص اسلامی پرداخته‌اند که لزوماً نظام‌های مورد مطالعه بر فقه جزایی اسلام بنیاد نهاده نشده‌اند.<sup>۱۶</sup>

انگیزه انجام تحقیق حاضر خلأ منابع مطالعاتی در حوزه حقوق کیفری کشورهای مسلمان مبتنی بر شریعت بوده که نگارنده به‌عنوان نخستین گام در این عرصه مقاله حاضر را ارائه نموده که به بررسی جایگاه فقه در قوانین کیفری چهار کشور اندونزی، برونئی، مالزی و یمن پرداخته است که دارای جمعیتی اغلب شافعی‌مذهب هستند.

در هر صورت در راستای ایضاح این مسئله که فقه جزایی چه موقعیتی در نظام حقوق کیفری کشورهای یادشده به‌دست آورده است، در ابتدا به تبیین موقعیت مقررات کیفری اسلامی در این چهار کشور به صورت جداگانه پرداخته شده و در ادامه، مذهب فقهی جاری در آنها به‌طور اجمال بررسی شده است.

۱۵. محمدعلی السالم عیاد الحلبي، پیشین، صص ۱۳-۱۴.

۱۶. در این زمینه می‌توان به مقاله «نقش احکام فقهی اسلامی در نظام حقوق جزایی کشورهای مهم اسلامی» که در شماره ۶۰ مجله حقوق اسلامی در سال ۱۳۹۸ منتشر شده اشاره کرد که به مقایسه کلی ساختار نظام حقوقی چهار کشور ایران، عربستان، عراق و مصر پرداخته است که اتفاقاً دو کشور اخیر به پیاده‌سازی فقه اسلامی در قلمرو کیفری اقبالی نشان نداده‌اند.

## ۱. موقعیت فقه جزایی در حقوق موضوعه کشورهای مورد مطالعه

در بخش نخست تلاش شده است ضمن ارائه مشخصات و پیشینه مقررات کیفری اسلامی در کشورهای اندونزی، برونئی، مالزی و یمن، با نگاهی به محتوای مقررات آنها انعکاس فقه جزای اسلامی در آنها مورد بررسی قرار گیرد.

### ۱.۱. اندونزی

اندونزی به عنوان پرجمعیت‌ترین کشور اسلامی دارای سابقه‌ای دیرینه در گرایش به اسلام است. با ورود اسلام به اندونزی حکومت‌های مسلمان متعددی در این سرزمین شکل گرفتند که به اجرای مقررات اسلامی بر اساس مذهب شافعی پرداختند. تا اینکه در اواخر قرن پانزدهم میلادی اندونزی به استعمار هلند در آمد و این دوره تا سال ۱۹۴۱ ادامه داشت که هلندی‌ها جای خود را به استعمارگران ژاپنی دادند، لکن حضور ژاپن دیری نپایید تا اینکه در سال ۱۹۴۵ ژاپن تسلیم و زمینه استقلال اندونزی فراهم شد.<sup>۱۷</sup> قانون اساسی اندونزی مصوب ۱۹۴۵ در اصل ۲۹، اساس حاکمیت را اعتقاد به خداوند متعال اعلام نمود و در دوره استقلال بسیاری از مقررات صیغه اسلامی به خود گرفت، لکن قانون کیفری اندونزی که مبتنی بر قانون مجازات هلند مصوب ۱۸۸۶ است<sup>۱۸</sup>، در این مسیر چندان دستخوش تغییر نشد<sup>۱۹</sup>؛ هرچند بعضی با استشهادهای برخی مواد قانون یادشده تلاش کردند تا اثبات نمایند

۱۷. یونس وهبی یاووز الاقطوغانی، *حرکه التجدید فی تقنین الفقه الإسلامی: مجله الاحکام العدلیه و قوانین ملاقا الإسلامیه کمثال تجربی*، (بیروت: دارالکتب العلمیه، ج ۱، ۲۰۱۵)، صص ۴۳۵-۴۳۶.

۱۸. گفتنی است قانون هلند نیز به نوبه خود بر مجموعه قوانین ناپلئون مبتنی بود که بر اساس آن قانون کیفری مصوب ۱۹۱۸ اندونزی تنظیم شده است. قانون اخیر که در سال ۱۹۴۶ جای خود را به قانون کیفری کنونی داده است، همچنان شاکله مقررات کیفری اندونزی را تشکیل می‌دهد، در این زمینه، ر.ک.

Taufik Rachman, *Can the Indonesian criminal justice system be enhanced by replacing the mandatory prosecution system with a discretionary one, like that used in Australia?*, the degree of Doctor of Philosophy, Melbourne: Victoria University, (2016), pp. 97-98.

۱۹. البته تغییراتی جزئی در ادوار مختلف زمانی در این قانون صورت گرفته، به نحوی که سبب شده تا از کد کیفری اصلی هلند که در گذشته به طور کامل در اندونزی اجرا می‌شده است، فاصله گیرد، لکن همچنان آثار مقررات کیفری هلند در قانون کنونی اندونزی نیز به وضوح مشهود است، و امروزه اقداماتی برای جایگزینی یک قانون بومی در اندونزی در جریان است. در این زمینه، نک: به گزارش چشم‌انداز ضمانت اجرای جایگزین در اندونزی که از سوی یکی از دانشگاه‌های اندونزی ارائه شده است:

The Prospect of Alternative Sanctions in Indonesia, Muladi Universitas Diponegoro Semarang Indonesia, Available at: <https://aic.gov.au/sites/default/files/publications/proceedings/downloads/12-muladi.pdf>.

وجود جرایمی مانند قتل و سرقت نشانه‌ای بر سازگاری این قانون با شریعت اسلامی است<sup>۲۰</sup>، لکن این گفته قابل پذیرش نیست، چراکه قطع نظر از عدم ترتیب مجازات‌های خاص شرعی بر جرایم موصوف، مصادیق مورد بیان اصولاً در زمره جرایم طبیعی هستند که در اغلب نظام‌های حقوقی دیگر هرچند سکولار مشاهده می‌شوند، لذا نمی‌توان وجود آن‌ها را دلیلی قطعی بر رویکرد اسلامی یک قانون دانست.

با وجود آنچه گفته شد، قوانین کیفری استان آچه در شمال مجمع‌الجزایر سوماترا از این جهت وضعیت متفاوتی دارد. این استان نخستین منطقه اندونزی است که اسلام وارد آنجا شده و مورد پذیرش قرار گرفته و احکام اسلامی در آن اجرا گردیده است. تا اینکه در سال ۱۹۴۵ آچه در کنار دیگر مناطق اندونزی، کشور جمهوری اندونزی را شکل داد و توافق گردید که حکومت در برخی حوزه‌ها از جمله امور دینی در این استان مداخله نکند، لکن حکومت مرکزی به آن پایبند نبود و همین امر به درگیری‌هایی منجر شد تا آنکه در سال ۲۰۰۵ پیمانی در فنلاند منعقد گردید و در پی آن قانونی در سال ۲۰۰۶ مبنی بر خودمختاری این استان تصویب شد و مقامات محلی امکان اجرای شریعت اسلامی را پیدا کردند<sup>۲۱</sup>. در همین راستا قانون شماره ۷ آیین دادرسی کیفری در سال ۲۰۱۳، قانون شماره ۶ جنایات در سال ۲۰۱۴ و قانون شماره ۸ در مورد مبادی شریعت اسلامی در سال ۲۰۱۴ به تصویب رسید. امروزه استان آچه تنها منطقه در اندونزی است که قوانین کیفری اسلام را تصویب و اجرا می‌نماید.

در قانون جنایات استان آچه که با عنوان حکم جنایات (Hukum Jinayat) از آن یاد می‌شود، جرم حسب بند ۱۶ ماده ۱ رفتاری تعریف شده که در آیین اسلام ممنوع شمرده می‌شود و به موجب این قانون سزاوار مجازات حد یا تعزیر است. در بندهای ۱۸ و ۱۹ قانون یادشده به ترتیب حد و تعزیر به مجازاتی اطلاق شده‌اند که شکل و میزان آن در قانون دقیقاً

۲۰. مخرص مناچه، «مبادی الجنایات الإسلامیه و تطبیقها فی السیاق الإندونسی»، Journal of Indonesian Islam، سال هفتم، ش ۲ (۲۰۱۳)، صص ۴۱۸-۴۲۱؛

Mark Cammack, "The Punishment of Islamic Sex Crimes in A Modern Legal System: The Islamic Qanun of Aceh, Indonesia", Southwestern Law Review, vol. 45, Issue 3 (2016), p. 603.

۲۱. بدر منیر، «القانون المعاصر و دوره فی الحفاظ علی المصطلحات العربیه الفقهیه فی أندونسیا: قانون الجنایات الإسلامیه فی آتشیه نمودجا»، اللغه العربیه ودورها فی تطبیق الشریعه الإسلامیه و تنمیه الثقافه الإنسانیه، ش ۱۱ (۲۰۱۸)، صص ۱۴۶-۱۴۷.

معین شده و یا شکل و کمیت آن در قانون میان حداقل و حداکثر به صلاحدید [قاضی] واگذار شده است. برابر بند ۲ از مادهٔ اخیر، جرم ناظر بر موارد زیر است: خمر، میسر، خلوت، اختلاط، زنا، آزار و مزاحمت جنسی (هتک عرض)، تجاوز به عنف، قذف، لواط و مساحقه، که در این میان زنا، قذف و شرب خمر موجب حد و سایر موارد تعزیری محسوب شده‌اند. منظور از خمر (Khamar) برابر بند ۲۱ مادهٔ ۱ مشروب مست‌کننده و یا حاوی الکل به میزان دو درصد و یا بیشتر است که مصرف آن حسب فصل ۱۵ مستوجب چهل ضربه شلاق حدی است که در صورت تکرار، افزون بر آن به شلاق، یا جزای نقدی یا حبس تعزیری نیز محکوم می‌شود. میسر (Maisir) مطابق بند ۲۲ مادهٔ ۱ به عملی دو یا چندطرفه اطلاق می‌شود که متضمن عنصر شرط‌بندی یا سود [غرر] باشد، به این نحو که توافق نمایند طرف برنده منافع معینی را، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، از طرف بازنده ببرد. مجازات این رفتار حسب میزان سود متفاوت است، چنانچه سود تا دو گرم طلای خالص باشد، مستند به مادهٔ ۱۸ تعزیر به میزان حداکثر دوازده ضربه تازیانه، یا جزای نقدی تا ۱۲۰ گرم طلا یا حداکثر دوازده ماه حبس است و اگر سود بیش از دو گرم طلا باشد، برابر مادهٔ ۱۹، مرتکب به حداکثر سی ضربه شلاق، یا جزای نقدی تا سیصد گرم طلا یا حداکثر سی ماه حبس محکوم می‌شود. مراد از خلوت (Khalwat) بنا بر بند ۲۳ مادهٔ ۱، قرار گرفتن دو نفر هم‌جنس در مکانی بسته یا مخفی به قصد رابطهٔ جنسی است در شرایطی که با هم محرم نبوده، میان آنها علقهٔ زوجیت وجود نداشته باشد. مجازات این رفتار طبق مادهٔ ۲۳، حداقل ده ضربه شلاق، یا جزای نقدی معادل صد گرم طلا و یا حداکثر ده ماه حبس تعزیری است. اختلاط (Ikhtilath) بنا بر بند ۲۴ مادهٔ ۱، رفتارهای مغایر عفت عمومی نظیر معاشقه، ملامسه، معانقه و تقبیل بین زن و مرد است که به‌طور ارادی در اماکن بسته یا باز صورت می‌گیرد. مجازات این جرم طبق مادهٔ ۲۵، سی ضربه شلاق، یا سیصد گرم طلا جزای نقدی و یا حداکثر سی ماه حبس تعزیری است. زنا حسب بند ۲۶ مادهٔ ۱، عبارت است از آمیزش جنسی مبتنی بر تراضی بین یک یا چند مرد با یک یا چند زن بدون علقهٔ زوجیت که مجازات آن مستند به مادهٔ ۳۳ صد ضربه شلاق حدی است که در صورت تکرار تعزیر خواهد شد. آزار و مزاحمت جنسی (هتک عرض) (Pelecehan seksual) که مطابق بند ۲۷ مادهٔ ۱ به اعمال غیراخلاقی و خلاف عفت گفته می‌شود که به صورت عامدانه در اماکن عمومی و

یا علیه قربانی فاقد رضایت، اعم از مرد یا زن، انجام می‌شود، حسب ماده ۴۶، مستوجب تعزیر به میزان ۴۵ ضربه شلاق، یا جزای نقدی معادل ۴۵۰ گرم طلا و یا حداکثر ۴۵ ماه زندان است. تجاوز به عنف (Pemeriksaan) مطابق بند ۳۰ ماده ۱، به معنای دخول آلت تناسلی یا هر شیء دیگر در قیل یا دبر یا دهان دیگری و یا تماس دهانی مرتکب با قیل یک زن یا آلت تناسلی یک مرد با قهر، اجبار یا تهدید بزه‌دیده است که وفق ماده ۴۸، مجازات آن حداقل ۱۲۵ تا ۱۷۵ ضربه شلاق، یا ۱۲۵۰ تا ۱۷۵۰ گرم طلا جزای نقدی و یا ۱۲۵ تا ۱۷۵ ماه حبس تعزیری است. قذف (Qadzaf) حسب بند ۳۱ ماده ۱، ناظر بر متهم نمودن دیگری به ارتکاب زنا بدون داشتن چهار شاهد است که مطابق ماده ۵۷ مجازات حدی به میزان هشتاد ضربه شلاق را در پی دارد و در صورت تکرار، جزای نقدی یا حبس تعزیری نیز به آن افزوده خواهد شد. لواط (Liwath) بنابر بند ۲۸ ماده ۱ به معنای دخول آلت تناسلی یک مرد در دبر مرد دیگر از روی تراضی است که بر اساس ماده ۶۳ با مجازات تعزیری به میزان حداقل صد ضربه شلاق، یا حداقل هزار گرم طلا جزای نقدی و یا حداکثر صد ماه حبس پاسخ داده خواهد شد. مساحقه (Musahaqah) که موافق بند ۲۹ ماده ۱، به فعل دو زن و یا بیشتر گفته می‌شود که با رضایت طرفینی بدن یا دستگاه تناسلی یکدیگر را به‌منظور تحریک جنسی مالش می‌دهند و مستند به ماده ۶۴ موجب تعزیر حداقل صد ضربه شلاق، یا حداقل هزار گرم طلا جزای نقدی و یا حداکثر صد ماه حبس است.

لازم به بیان است واضعان قانون جنایات آنچه سه مرحله را برای تصویب مقررات کیفری ماهوی ترسیم نموده‌اند که قانون شماره ۶ مصوب سال ۲۰۱۴ که مفاد آن به‌طور اجمالی مورد اشاره قرار گرفته، مرحله نخست آن است. پس از اجرایی شدن این بخش، در گام دوم جرایم موجب قصاص و دیه، و در آخرین قدم سایر حدود از جمله سرقت و محاربه نیز مورد تقنین قرار خواهند گرفت.<sup>۲۲</sup>

## ۲.۱. برونئی

حقوق کیفری برونئی مبتنی بر نظام کامن‌لا است. قانون کیفری این کشور که در سال ۱۹۵۱ تصویب شده، مبتنی بر مجموعه مقررات کیفری هند مصوب ۱۸۶۰ و برگرفته از آن

۲۲. بدر، منیر، پیشین، ص ۱۴۹.

است.<sup>۲۳</sup> با وجود این، همسو با رویکرد قانون اساسی مصوب ۱۹۵۹ مبنی بر رسمیت دین اسلام، پس از گذشت مدت طولانی در سال ۲۰۱۳ در جهت اسلامی‌سازی مقررات کیفری، سلطان برونی در راستای اختیار اعطایی بند ۳ اصل ۸۳ قانون اساسی دستورالعملی با ۲۵۴ ماده در زمینه قانون جزای شرعی ابلاغ نمود که جرایم موجب حد، قصاص، دیه و تعزیر در آن تعیین شدند و از سال ۲۰۱۴ به شکل مرحله‌ای به اجرا درآمد که رسیدگی به آنها در صلاحیت محاکم شرع است. هم‌زمان جرایم موضوع قانون کیفری ۱۹۵۱ نیز در دادگاه‌های مدنی رسیدگی می‌شوند که البته در مورد جرایم مشترک در قانون و دستورالعمل، از نظر صلاحیت مراجع رسیدگی‌کننده و مجازات مرتکب ابهامات جدی وجود دارد که ذهن حقوق دانان را به خود مشغول کرده است.<sup>۲۴</sup>

در دستورالعمل قانون جزای شرعی سه دسته از جرایم پیش‌بینی شده است. دسته نخست، جرایم موجب حد، که مشتمل بر شش جرم سرقت، محاربه، زنا [در معنایی اعم از زناى مبتنی بر رضایت، زناى به اجبار و لواط]، قذف، مصرف مسکرات و ارتداد است. جرایم یادشده باید بر اساس ادله واجد شرایط شرعی اثبات شوند، در غیر این صورت چنانچه با دلایل دیگری ثابت شوند، مجازات تعزیری در انتظار مرتکب خواهد بود. دستورالعمل ادله در دادگاه‌های شرعی مصوب ۲۰۰۱ به تفصیل ویژگی‌های دلایل را تبیین نموده است. دسته دوم، جرایم موضوع دستورالعمل، جرایم موجب قصاص، دیه و ارش هستند که جنایات بر نفس و مادون نفس، اعم از عمد، شبه عمد و خطا را دربر می‌گیرد. بخش سوم، جرایم عمومی، که در حقیقت همان جرایم موجب تعزیر هستند که مصادیق متعددی مانند نزدیکی جنسی با حیوانات، غضب حقوق دیگران، خوردن و آشامیدن و استعمال علنی دخانیات در ساعات روزه واجب ماه مبارک رمضان، پوشیدن لباس جنس مخالف یا تشبه به او در مکان عمومی، جادوگری و خودداری از پاسخگویی به سؤالات مقامات عمومی در این قسمت دیده می‌شود.

حسب ماده ۳ دستورالعمل قانون جزای شرعی، مقررات آن هم نسبت به مسلمانان قابل اجراست و هم غیرمسلمانان، مگر در جایی که خلاف آن تصریح شده باشد. زناى بدون

23. Edward Phillips, *op. cit.*, p. 166.

24. Abdul Hamid Mohamad, «Implementation of Hudud in Brunei: Differences between Brunei and Malaysia», *Islam and Civilisational Renewal*, Vol. 5, No. 2 (2014), pp. 149 & 154.



اجبار، جز در جایی که طرف رابطه مسلمان باشد [ماده ۶۹]؛ مساحقه، جز در جایی که با زن مسلمان صورت گیرد [ماده ۹۲]؛ بارداری و وضع حمل نامشروع [ماده ۹۴]؛ مصرف غیرعلنی مسکرات و شروع به آن [مواد ۱۰۴ و ۱۰۵]؛ ارتداد و شروع به آن [مواد ۱۰۷ و ۱۱۳]؛ امتناع از خواندن نماز جمعه در مسجد [ماده ۱۹۴]؛ خلوت با نامحرم، جز در جایی که طرف مقابل مسلمان باشد [ماده ۱۹۶]؛ فرار دختر از منزل [ماده ۲۰۳]؛ تحویل کودک یا غیر کودک مسلمان تحت سرپرستی به یک غیرمسلمان [ماده ۲۰۴]؛ گفتن اکاذیب مبنی بر معرفی خود یا دیگری به عنوان امام مهدی یا ادعای دروغ داشتن علم فرابشری [ماده ۲۰۶]؛ تعلیم یا تفسیر آموزه‌ها یا مراسم مذهبی یا اجرای آنها مغایر با حکم شرع، جز در جایی که نسبت به یک مسلمان انجام شده باشد [ماده ۲۰۷]؛ پرستش هر چیزی برخلاف حکم شرع [ماده ۲۱۶]؛ افتاء در امور شرعی از سوی فرد فاقد صلاحیت [ماده ۲۲۸]؛ امتناع از پرداخت زکات و فطریه [ماده ۲۳۶]؛ جمع‌آوری زکات یا فطره از سوی شخص بدون صلاحیت [ماده ۲۳۷]؛ پرداخت زکات یا فطره به اشخاص فاقد صلاحیت [ماده ۲۳۸]؛ احداث یا استفاده از مکانی به عنوان یا با اهداف مسجد بدون مجوز [ماده ۲۴۰] فقط نسبت به مسلمانان جرم‌انگاری شده است. در مقابل، جرایم اهانت به نبی اکرم (ص) [موضوع ماده ۲۲۱]، به سخره گرفتن قرآن یا احادیث نبوی (ص) [ماده ۲۲۲] و شروع به آنها [ماده ۲۲۳] ناظر بر غیرمسلمانان نیز می‌باشد.

### ۳.۱. مالزی

پیشینه اجرای حقوق اسلامی در مالزی به قرن‌های دهم و یازدهم میلادی برمی‌گردد که واعظان و بازرگانان مسلمان به ایالت کلانتان مالزی گام نهادند و احکام اسلامی در عمل بین مردم اجرا می‌شد و حکومت نیز با تشکیل دادگاه‌های خاص مقررات کیفری اسلامی را پیاده می‌کرد.<sup>۲۵</sup> برخلاف نظر مشهور که نخستین قانون مدون در دنیای اسلام را مجله احکام عدلیه می‌دانند که بنابر فقه حنفی در سال ۱۸۶۸ تدوین و در ۱۸۷۷ در حکومت

۲۵. در ایالت ترینگانو کتیبه‌ای سنگی که قدمتش به قرن دوازدهم برمی‌گردد، یافت شده است که از جمله مطالب حک شده بر روی آن، ناظر بر تعیین مجازات زنا است که برای افراد مجرد صد ضربه تازیانه و برای مرتکبان متأهل رجم تعیین شده است؛ برای آگاهی بیشتر، نک:

Ashgar Ali Ali Mohamed, "Implementation of Hudud (or limits ordained by Allah for serious crimes) in Malaysia", *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 2, No. 3 (2012), p. 237.

عثمانی لازم‌الاجرا شد، برخی از پژوهشگران نخستین قانون در شکل امروزی را که حتی پیش از مقررات ناپلئون وضع شده بود، قوانین اسلامی پیاده‌شده از سوی سلطنت ملاکا در مالزی دانسته‌اند که در نیمه نخست قرن پانزدهم میلادی تأسیس شده است؛ قوانینی که بر اساس فقه شافعی تنظیم شده‌اند.<sup>۲۶</sup>

در هر حال، قوانین اسلامی برای قرن‌ها در مالزی اجرا می‌شد و با آغاز استعمار انگلیس در مالزی نفوذ این مقررات تحت تأثیر قرار گرفت و تلاش شد تا با تغییر نظام حقوق اسلامی موجود، آن را با سیستم کامن‌لا منطبق سازند.<sup>۲۷</sup> تصویب قانون مجازات مالزی در سال ۱۹۳۶ بر اساس کد کیفری ۱۸۶۰ هند که مبنایی انگلیسی داشت، لازم است در راستای چنین تأثیراتی تحلیل شود.<sup>۲۸</sup> پس از استقلال مالزی از انگلیس در سال ۱۹۵۷ در قانون اساسی فدرالی که در همان سال استقلال تصویب شد، در اصل سوم تأکید گردید که اسلام، دین رسمی کشور است. در قانون اساسی یادشده مسائل حقوق کیفری موضوعی فدرال شناخته شد که در دادگاه‌های مدنی قابل رسیدگی هستند. با وجود این در برنامه نهم پیوست قانون اساسی به نهاد قانون‌گذاری دولت‌های ایالتی اجازه قانون‌گذاری در زمینه مسائل اسلامی داده شده، لکن در قلمرو کیفری اختیار یادشده محدود به میزانی است که قانون فدرال تجویز نماید که چنین جرایمی در دادگاه‌های شرعی رسیدگی می‌شوند.

در این راستا قانون فدرال صلاحیت کیفری دادگاه‌های شرعی مصوب ۱۹۶۵ با اصلاحات بعدی اجازه جرم‌انگاری رفتارهای ناقض آموزه‌های اسلامی را داده است که نسبت به مسلمانان قابل اجراء است.<sup>۲۹</sup> با وجود این، قانون‌گذار ایالتی نباید مجازات جرمی را بیش از سه سال حبس، یا جزای نقدی فراتر از پنج هزار رینگیت یا شلاق بیشتر از شش

۲۶. یونس وهبی یاووز الاقطوغانی، پیشین، ص ۱۰۸.

27. Faisal Bin Husen Ismail, and Jasni Bin Sulong, "The Development and Obstacles in Applying the Islamic Criminal Law in the State of Kelantan, Malaysia", International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences, Vol. 8, No. 4 (2018), pp. 914 & 916.

28. Edward Phillips, *op. cit.*, p. 166.

۲۹. از همین رو در قوانین جزای شرعی مالزی به تحدید قلمرو قانون به مسلمانان نیز تأکید شده است؛ در این زمینه مفاد مواد ذیل درخور توجه است: ماده ۲ قانون ایالت صباح؛ ماده ۱ مصوبه ۲۰۰۱ و ماده ۳ از مصوبه ۱۹۹۱ ایالت ساراواک؛ ماده ۳ قانون ایالت کلاتان؛ ماده ۳ قانون ایالت کداج؛ ماده ۱ قانون ایالت ترینگانو؛ ماده ۱ قانون ایالت سلانگور؛ ماده ۳ قانون پرلیس؛ ماده ۱ قانون ایالت پاهانگ؛ ماده ۱ قانون ایالت پنانگ؛ ماده ۱ قانون ایالت پراک؛ ماده ۱ قانون ایالت جوهور؛ ماده ۱ قانون منطقه فدرال.

ضربه و یا ترکیب آنها تعیین نماید.

به اعتقاد برخی از حقوق‌دانان مالزیایی منظور از حقوق کیفری که در قانون اساسی اشاره شده، جرایم مندرج در قانون مجازات مصوب ۱۹۳۶ است؛ لذا سایر جرایم که در مقررات کیفری شرعی ایالتی تصویب شده، ولی در قانون مجازات وجود ندارد، خارج از شمول حقوق کیفری فدرال است و در محاکم شرع رسیدگی می‌شود. به نظر این حقوق‌دانان اگر قانون‌گذار فدرال جرایمی را در قانون مجازات وضع کند، هرچند جنبه شرعی داشته باشد، در این صورت آنها در دادگاه‌های مدنی نسبت به کلیه مالزیایی‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، اعمال خواهد شد.<sup>۳۰</sup>

با توجه به آنچه گفته شد، به‌رغم بقای اعتبار قانون مجازات سال ۱۹۳۶ در این کشور دارای نظام کامن‌لا<sup>۳۱</sup>، قوانین کیفری مرتبط با شریعت اسلامی در ایالت‌های آن تصویب شده است. قانون کیفری شرعی ایالت کلانتان دارالنعیم مصوب ۱۹۸۵، قانون کیفری شرعی ایالت کِداح دارالامان مصوب ۱۹۸۸، مصوبه جرایم کیفری شرعی ۱۹۹۱ و مصوبه شماره ۴۶ جرایم کیفری شرعی ۲۰۰۱ ایالت ساراواک، قانون شماره ۴ جرایم کیفری در شریعت ایالت پریس مصوب ۱۹۹۱، قانون شماره ۶ جرایم شرعی ایالت ملاکا مصوب ۱۹۹۱، مقررات کیفری شرعی ایالت نِگری سمبیلان دارالخصوص مصوب ۱۹۹۲، قانون شماره ۳ جرایم شرعی ایالت پراک دارالرضوان مصوب ۱۹۹۲، قانون شماره ۳ در مورد جرایم کیفری شرعی ایالت صباح مصوب ۱۹۹۵، قانون شماره ۹ در مورد جرایم کیفری شرعی ایالت سیلانگور دارالاحسان مصوب ۱۹۹۵، قانون شماره ۳ جرایم کیفری شرعی ایالت پنانگ مصوب ۱۹۹۶، قانون شماره ۴ جرایم کیفری شرعی ایالت جوهور دارالتعظیم مصوب ۱۹۹۷، قانون شماره ۷

30. Abdul Hamid Mohamad, *op. cit.*, p. 155.

۳۱. گفتنی است قانون آیین دادرسی کیفری مالزی مصوب ۱۹۳۵ به‌رغم اصلاحات متعددی که بعد از استقلال از انگلیس در آن صورت گرفته است، در ماده ۵ همچنان میراث دوران استعماری را حفظ کرده و در موارد سکوت قانونی در امور شکلی، قانون دادرسی کیفری وقت انگلیس را تا حدی که تعارضی با کد دادرسی کیفری مالزیایی نداشته و در تکمیل آن مؤثر و قابل اجرا باشد، لازم‌الرعايه دانسته است. متن ماده به این ترتیب است:

“As regards matters of criminal procedure for which no special provision has been made by this Code or by any other law for the time being in force the law relating to criminal procedure for the time being in force in England shall be applied so far as the same shall not conflict or be inconsistent with this Code and can be made auxiliary thereto”.

پیرامون جرایم کیفری شرعی (تعزیر) ایالت ترینگانو دارالایمان مصوب ۲۰۰۱ و قانون شماره ۱۱ جرایم کیفری شرعی ایالت پاهانگ دارالمعمور مصوب ۲۰۱۳ در همین راستا تصویب شده‌اند. همچنین در منطقه فدرال مالزی<sup>۳۳</sup> نیز قانونی به شماره ۵۵۹ با عنوان جرایم کیفری شرعی در سال ۱۹۹۷ تصویب شده که در این چارچوب قابل توجه است.

در مقررات مورد بحث جرایم تعزیری متعددی مورد حکم قرار گرفته‌اند، مانند جرم امتناع از اقامه نماز یومیه یا نماز جمعه، تحریک مسلمانان به بی‌توجهی به تکالیف شرعی، اظهار نظر برخلاف فتوای معتبر اسلامی، مصرف یا خرید و فروش مواد خوردنی و آشامیدنی یا دخانی جهت استفاده فوری در ایام روزه واجب ماه مبارک رمضان، نگهداری یا نمایش مجسمه موجود جاندار، ادامه زندگی مشترک با همسر غیرمسلمان از سوی کسی که به اسلام تغییر دین داده است، مقاربت جنسی غیرطبیعی با انسان یا حیوان، نمایش اندام‌های بدن از سوی زنان در اماکن عمومی، قماربازی، شرکت در مسابقه زیبایی، مدلینگ و نظایر آنها و تشبه به جنس مخالف، تعیین کیفر شده است.

با وجود این در بررسی قوانین کیفری شرعی ایالتی نکته مهم آن است که برای جرایم حدی از کیفرهای غیرمنصوص اسلامی استفاده شده است؛ مانند احکامی که در خصوص مواردی مانند مصرف مسکرات<sup>۳۳</sup>، زنا با محارم<sup>۳۴</sup>، زنا<sup>۳۵</sup>، کذب<sup>۳۶</sup> و لواط<sup>۳۷</sup> آمده است. دلیل این امر را باید در شرایط محدودکننده قانون فدرال از جهت تعیین نوع و میزان مجازات دانست که مورد اشاره واقع شد.

۳۲. این ناحیه شامل سه ایالت کوالالامپور، لابوان و پوتراجایا است.

۳۳. نظیر ماده ۷۸ مصوبه ناظر بر امور کیفری شرعی ایالت نگری سمبیلان؛ ماده ۲۴ قانون پریس؛ ماده ۵۹ قانون ایالت پراک؛ ماده ۵۰ قانون ملاکا؛ ماده ۱۹ قانون منطقه فدرال.

۳۴. مانند ماده ۷۸ قانون ایالت صباح؛ ماده ۱۷ مصوبه ۲۰۰۱ ایالت ساراواک؛ ماده ۱۰ قانون ایالت کداج؛ ماده ۲۲ قانون ایالت سلانگور؛ ماده ۱۰ قانون پریس؛ ماده ۲۰ قانون ایالت جوهور.

۳۵. مثل ماده ۱۱ قانون ایالت کلاتان؛ ماده ۱۱ قانون ایالت کداج؛ ماده ۲۵ قانون ایالت سلانگور؛ ماده ۶۰ مصوبه ناظر بر امور کیفری شرعی ایالت نگری سمبیلان؛ ماده ۵۲ قانون ملاکا.

۳۶. در این زمینه، ر.ک. مواد ۳۸ از مصوبه ۲۰۰۱ و ۲۹ از مصوبه ۱۹۹۱ ایالت ساراواک؛ ماده ۴۱ قانون ایالت پنانگ؛ ماده ۵۲ قانون ایالت پراک؛ ماده ۴۱ قانون ایالت جوهور.

۳۷. نظیر ماده ۸۲ قانون ایالت صباح؛ ماده ۱۴ قانون ایالت کداج؛ ماده ۳۶ قانون ترینگانو؛ ماده ۱۳ قانون پریس؛ ماده ۲۵ قانون ایالت پنانگ؛ ماده ۲۵ قانون منطقه فدرال.

از سال ۱۹۹۰ که نیک عبدالعزیز، روحانی مالزیایی دانش‌آموخته‌ی الازهر و از سرشناسان حزب اسلامی مالزی (پاس)، به ریاست ایالت کلانتان رسید، احیای نظام کیفری حدود در شمار نخستین اقداماتش قرار گرفت و در سال ۱۹۹۳ قانون کیفری شرعی ناظر بر حدود را به تصویب رساند. از طرف دیگر عبدالهادی آونگ، از مؤسسان حزب اسلامی مالزی و از دانش‌آموختگان مدارس علمیه عربستان، توانست در دوره ریاست خود بر ایالت ترینگانو قانون جرایم کیفری شرعی حدود و قصاص را در سال ۲۰۰۲ در این ایالت به تصویب رساند. با وجود این، دولت فدرال با قوانین یادشده به دلیل تعارض با قوانین فدرال مخالفت نمود و لذا به مرحله اجرا درنیامد. حزب اسلامی مالزی (پاس) بعد از انتخابات سال ۲۰۱۳ مجدداً برای احیای مجازات منصوص شرعی در نظام حقوقی این کشور تلاش نمود تا با اصلاحات در قوانین فدرال موانع حقوقی آنها را از بین ببرد. این حزب پیشنهادی برای اصلاح قانون صلاحیت کیفری دادگاه‌های شرعی در سال ۲۰۱۶ به مجلس ارائه داد تا از این طریق زمینه اجرای حدود فراهم شود. این پیشنهاد هرچند با پشتوانه حمایت مردمی همراه بوده است، اما با انتقادات متعددی به‌ویژه از سوی سکولارها، نمایندگان چینی‌تبار مجلس و برخی احزاب سیاسی روبرو شد. از این رو، اجرایی شدن دو قانون متضمن مجازات‌های معین شرعی در دو ایالت کلانتان و ترینگانو وابسته به تحولاتی است که در آینده سرنوشت موضوع را رقم بزند.<sup>۳۸</sup> با وجود این، جهت آشنایی با قوانین یادشده به نکاتی به‌طور اجمالی اشاره می‌شود.

طبق ماده ۴ قانون جرایم شرعی ۱۹۹۳ ایالت کلانتان و همچنین ماده ۳ قانون جرایم کیفری شرعی حدود و قصاص ایالت ترینگانو مصوب سال ۲۰۰۲، جرایم موضوع این قوانین بر سه دسته جرایم موجب حد، قصاص و تعزیر تقسیم می‌شوند که مجازات‌های دو نوع نخست موافق احکام مندرج در قرآن کریم و سنت تعیین شده و در نوع سوم به صلاحدید قانون‌گذار ایالتی واگذار شده است. چنانچه شرایط لازم در جرایم مستوجب حد یا قصاص وجود نداشته باشد، تعزیر جایگزین آن مجازات‌ها خواهد شد. در مواد ۵ و ۴ به ترتیب از قوانین کلانتان و ترینگانو شش جرم موجب حد احصا شده است که عبارت‌اند از: شرب مسکر، قذف، زنا (و لواط نیز که با مجازاتی همانند زنا در نظر گرفته شده است)، سرقت، محاربه و ارتداد.

<sup>۳۸</sup> برای ملاحظه تفصیل این مطلب، ر.ک. Faisal Bin Husen Ismail, and Jasni Bin Sulong, *op. cit.*, p. 918.

جرم مصرف مسکرات که به نوشیدنی‌ها محدود شده است، در ماده ۲۲ قانون کلانتان مستوجب چهل تا هشتاد ضربه شلاق و در ماده ۵ قانون ترینانگو، در مرتبه اول و دوم موجب حداقل چهل ضربه و در بار سوم چهل تا هشتاد ضربه و در مرتبه چهارم علاوه بر مجازات تازیانه بین چهل تا هشتاد ضربه، مرتکب به حبس به مدتی که دادگاه مناسب بداند محکوم می‌شود.

بزه قذف که در ایالت کلانتان عبارت از انتساب زنا، و در ترینانگو نسبت دادن زنا یا لواط به مسلمان محصن دارای عقل و بلوغ است، به نحوی که قاذف از اثبات آن عاجز باشد، به ترتیب در مواد ۱۸ و ۸ قوانین ایالت‌های یادشده مستوجب هشتاد ضربه شلاق و عدم پذیرش شهادت مرتکب تا زمان توبه وی است. در قوانین هر دو ایالت در ادامه جرم‌انگاری قذف، احکام لعان در انتساب زنا میان زوجین مورد توجه قرار گرفته است.

مجازات زنا در مواد ۱۳ قوانین هر دو ایالت حسب احسان یا عدم احسان مرتکب متفاوت است. مرتکب محصن سنگسار می‌شود تا بمیرد و مرتکب غیرمحصن به صد ضربه شلاق و نیز یک سال حبس محکوم خواهد شد. کیفر جرم لواط که ناظر بر وطی از دبر دیگری، اعم از مرد یا زن است، در مواد ۱۵ قوانین دو ایالت همانند مجازات زنا مقرر شده است.

جرم سرقت نیز طبق ماده ۷ قانون ایالت کلانتان و ماده ۲۰ قانون ایالت ترینانگو در مرتبه اول ارتکاب، مستوجب قطع دست راست، و بار دوم قطع پای چپ است. در مرتبه سوم جهت ایجاد ندامت و توبه، مجرم برای مدتی به تشخیص دادگاه حبس می‌شود که البته این مدت در قانون کلانتان محدود است و نمی‌تواند از پانزده سال تجاوز کند. در مقررات این ایالت‌ها ثبوت حد سرقت منوط به اجتماع شرایطی چون رسیدن مال به نصاب معین، محرز بودن مال، داشتن ارزش شرعی مال، انتفای موضوع تقاص از سوی سارق، داشتن دست چپ سالم و کارا است.

محاربه ناظر بر بردن اموال دیگران از طریق خشونت و اخافه است که در ماده ۲۲ قانون ایالت ترینانگو باید مسلحانه صورت پذیرد. مجازات این جرم در ماده ۲۳ قانون ایالت پیش‌گفته و ماده ۱۰ قانون کلانتان به صورت ترتیبی و متناسب با رفتار ارتكابی از میان کیفرهای اعدام، صلب، قطع عضو و حبس تعیین شده است.

ارتداد نیز انجام فعل یا بیان عبارتی از سوی یک مسلمان بالغ و عاقل است که در تغایر با ارکان اسلامی و معتقدات عموم مسلمانان باشد. مجازات مرتد بنا بر ماده ۲۳ قانون ایالت کلاتان و ماده ۲۶ قانون ایالت ترینانگو اعدام است، با وجود این، قبل از آن فرصت توبه به بزهکار داده می‌شود.

در بخش قصاص از دو قانون ایالت‌های کلاتان و ترینانگو قتل به سه نوع، عمد، شبه‌عمد و خطا تقسیم شده است. مجازات این قتل‌ها به ترتیب قصاص نفس، دیه به‌علاوه حبس تعزیری حداکثر چهارده سال، دیه و حداکثر ده سال حبس تعزیری است. جنایات مادون نفس نیز موجب قصاص است و در صورت عدم اجرای قصاص به ارش و حبس تعزیری حکم داده می‌شود که میزان ارش و حبس یادشده مطابق پیوست‌های این قوانین با لحاظ نوع اقسام جنایات وارده و حسب شدت آن‌ها معین شده است.

#### ۴.۱.۱. یمن

در گذشته جامعه یمن تحت حاکمیت احکام اسلامی بود. با تلاش عثمانی‌ها در جهت ترجمه قوانین غربی و لازم‌الاجرا دانستن آنها در سرزمین‌های تحت سیطره خود، یمن نیز متأثر از این واقعیت شد. این وضعیت دیری نپایید و با خروج عثمانی‌ها و قدرت گرفتن حکومت امامت زیدی، مقررات سابق منسوخ، و نظام حقوقی بر اساس آرای فقهای زیدی استوار شد. با پایان این حکومت در سال ۱۹۶۲ نهضت تقنین در یمن مورد توجه قرار گرفت.<sup>۳۹</sup>

اولین قوانین کیفری در معنای امروزی خود در یمن در سال ۱۹۶۳ تصویب شد. قانون شماره ۲۱ قواعد عمومی مجازات و قانون شماره ۲۲ پیرامون جرایم علیه آسایش عمومی در زمره این قوانین هستند که برگرفته از قانون کیفری مصر است.<sup>۴۰</sup> در جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) پس از سال ۱۹۶۲ علاوه بر قوانین یادشده مقررات متعدد دیگری وضع شد تا

۳۹. علی حسن محمد جمال، *الجرائم المهدره لعصمه الدماء فی قانون الجرائم و العقوبات الیمنی*، اطروحه للدکتوراه، (کوالالمپور: دانشگاه مالایا، ۲۰۰۹م)، ص ۳۰.

۴۰. علی حسن الشرفی، *شرح الأحكام العامه للتشريع المقابلی الیمنی وفقاً لمشروع القانون الشرعی للجرائم و العقوبات*، (قاہرہ: دارالمنار، ۱۹۹۳م)، ص ۱۰.

آنکه در سال ۱۹۷۵ به منظور ابتدای قانون بر شریعت اسلامی نهادی با عنوان هیئت علمی تقنین ایجاد شد که خروجی آن تهیه پیش‌نویس قانون شرعی جرایم و مجازات‌ها بود.<sup>۴۱</sup> در جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) که قانون مجازات سابق خود (قانون مصوب ۱۹۵۵) را از مجموعه مقررات کیفری هند مصوب ۱۸۶۰ اقتباس نموده بود<sup>۴۲</sup>، با جایگزینی قانون مجازات ۱۹۷۶ به جای قانون ۱۹۶۸ با نگاه سوسیالیستی از قوانین کیفری جمهوری فدراتیو سوسیالیستی روسیه و جمهوری دموکراتیک آلمان (آلمان شرقی) الهام گرفت. تا آنکه در سال ۱۹۹۰ با اتحاد دو یمن قانون اساسی این کشور در سال ۱۹۹۱ تصویب شد. قانونی که در اصل دوم بر رسمیت دین اسلام تأکید داشت. اصل ۴۷ قانون موصوف بیان می‌دارد: «جرم و مجازاتی بدون نص شرعی یا قانونی وجود ندارد». مطابق این اصل به صراحت و حتی مقدم بر قانون مدون، نصوص شرعی به‌عنوان مستند جرم‌انگاری معرفی شده‌اند. با وجود این، قانون‌گذار یمن در قانون جرایم و مجازات‌ها در سال ۱۹۹۴ به تدوین احکام کیفری شرعی در قالب قانون اقدام نمود، به‌نحوی که با مطالعه آن مشخص می‌شود که عملاً مورد چندانی برای مراجعه قضات به شرع برای تعیین مجازات باقی نمی‌ماند.

در ماده ۱۱ این قانون، جرایم به دو نوع تقسیم شده‌اند: جرایم مستوجب حد و قصاص، و جرایم موجب تعزیر. در این ماده جرایم حدی در هفت مورد احصا شده‌اند: بغی، ارتداد، محاربه، سرقت، زنا، قذف و شرب خمر. در ماده ۱۳ نیز جرایم موجب قصاص در دو قسم تفکیک شده‌اند: نخست جرم علیه نفس که به قتل می‌انجامد، و دوم جرم علیه مادون نفس که تمامیت جسمانی قربانی را مورد تعرض قرار داده، بدون آنکه به مرگ وی بینجامد. در مواد اخیر خصوصیت مشترک جرایم در ابتدای مجازات آنها بر نصوص شرعی توصیف شده و در مقابل جرایم تعزیری که وفق ماده ۱۴ کیفر آنها حسب قانون مورد بحث تعیین شده است. در کنار حد، قصاص و تعزیر، در ماده ۴۰ حکم دیه و ارش مشخص شده که مطابق آن دیه عمد و شبه‌عمد، پنج میلیون و پانصد هزار ریال و دیه خطا یک میلیون و ششصد هزار ریال است. ارش جنایات مادون نفس نیز نسبتی از دیه بوده که در موارد عمد و شبه

۴۱. علی حسن محمد جمال، پیشین، ص ۳۱.

۴۲. محمود محمود مصطفی، پیشین، ص ۱۱.



عمد مطابق میزان مقرر در قانون و در موارد خطا، متناسب با جنایت ارتكابی معین می‌شود. ماده ۷۲ بر ضمان عاقله نسبت به دیه و ارش در موارد خطایی تصریح نموده است. در ماده ۱۲۴، ضمن تعریف بغی به خروج قهرآمیز بر دولت، مجازات آن را به احکام مقرر برای جرایم علیه امنیت دولت در مواد ۱۲۵ به بعد احاله داده است. در ماده ۲۵۹، ارتداد پس از سه روز فرصت بزهکار و سه مرتبه توبه دادن وی، مستوجب اعدام است. زنا طبق ماده ۲۶۳ به نزدیکی با جنس مخالف از طریق قبل اطلاق شده و موجب صد ضربه شلاق حدی است و دادگاه می‌تواند در کنار آن به حداکثر یک سال حبس تعزیری حکم دهد. چنانچه مرتکب واجد شرایط احصان باشد سنگسار می‌شود تا بمیرد. مشابه همین مجازات برای جرم لواط در معنای نزدیکی از دبر با دیگری، اعم از زن یا مرد، در ماده ۲۶۴ معین شده است. مساحقه نیز مستند به ماده ۲۶۸ موجب حبس تا سه سال است که در صورت اکراه تا هفت سال قابل تشدید خواهد بود. در ماده ۲۸۳ برای شرب خمر از سوی مسلمان هشتاد ضربه تازیانه تعیین شده است. مشابه همین مجازات در مورد جرم قذف در ماده ۲۸۹ آمده است. حد سرقت نیز وفق ماده ۲۹۸ در مرحله نخست قطع دست راست، در بار دوم قطع پای چپ، و در مرتبه سوم تا پانزده سال حبس است. در ماده ۳۰۷ نیز برای محاربه متناسب با شدت جرم ارتكابی یکی از مجازات‌های حبس تا پنج سال، قطع دست راست و پای چپ، اعدام، اعدام و صلب مقرر شده است.

## ۲. مذهب فقهی معیار در حقوق موضوعه کشورهای مورد مطالعه

تدقیق در مقررات کیفری شرعی کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که مواضع آنها عمدتاً بر مبنای فقه شافعی بنیان نهاده شده است. مسئله یادشده نه تنها در حوزه کیفری به‌طور خاص که در سطحی فراگیر در برخی از این نظام‌های حقوقی مد نظر قرار گرفته است.

قانون اساسی برونتی در اصل دوم تصریح نموده که موازین شرعی در چارچوب قرائت مذهب شافعی معتبر است. در اصل ۳ قانون یادشده نیز شورای مذهبی مرجع پاسخگویی به مسائل اسلامی سلطان برونتی که رئیس دینی جامعه به‌شمار می‌آید دانسته شده و البته تأکید نموده که ممکن است سلطان در امور اسلامی برخلاف نظر مشورتی این شورا به

وضع قانون بپردازد. در هر صورت، رویکرد قانون‌گذار اساسی در بروئتی درعمل آثارش را در مقررات کیفری شرعی آن کشور بر جای نهاده به طوری که برخی ادعا نموده‌اند این قانون به طور کامل فقه شافعی را نمایندگی می‌کند<sup>۴۳</sup>، لکن تدقیق در مقررات آن نشان می‌دهد اطلاق این سخن پذیرفتنی نیست.

در مالزی نیز در مورد مذهب حاکم در عرصه امور کیفری، ماده ۲ قانون جرایم کیفری شرعی مصوب ۲۰۰۱ ایالت کلاتان، ماده ۲ قانون جرایم کیفری شرعی ایالت پاهانگ و ماده ۲ قانون شماره ۵ اجرای حقوق اسلامی مصوب ۲۰۰۸ ایالت کیداج، آن را در چارچوب مذهب شافعی تعریف کرده است؛ البته در مقررات یادشده با تشخیص مجلس، امکان رجوع به یکی از مذاهب حنفی، مالکی و حنبلی نیز تجویز شده است.

باید گفت در مقررات اندونزی نیز از سال ۱۹۵۳ تعدادی از کتاب‌های معتبر در فقه شافعی به‌عنوان منابع مورد استناد دادگاه‌های شرع معرفی شدند که از آن زمان فقه شافعی به مذهب رسمی دولت تبدیل شد و در همین راستا، جایگاه فقه شافعی در قانون جنایات استان آچه مورد تصدیق حقوق‌دانان قرار گرفت<sup>۴۴</sup>؛ هرچند در مواردی مقررات آن به فقه سایر مذاهب نظیر حنفی نیز نزدیک شده است، به‌گونه‌ای که موجب شد برخی در التزام این قانون به مذهب شافعی تشکیک نمایند<sup>۴۵</sup>.

مقررات کیفری یمن نیز مقتبس و مبتنی بر فقه شافعی است، با وجود این، به‌طور استثنایی مواردی نیز مشاهده می‌شود که بر حسب مواضع سایر مذاهب فقهی به وضع حکم پرداخته شده است.

به‌منظور مشخص کردن مذهب فقهی معیار در قوانین کشورهای مورد مطالعه، پرداختن به احکام مختلفی که علاوه بر فقه شافعی، اغلب مذاهب اهل سنت بر آن اتفاق نظر دارند فراتر از میزانی است که بتوان در این نوشتار به آن پرداخت. لذا در ادامه صرفاً به چند نمونه از احکام کیفری اشاره می‌شود که فقه شافعی را از سایر فرقه‌ها متمایز کرده و در مقررات نظام‌های مورد مطالعه انعکاس داشته است.

43. Aharis Mabur, et al, "Hudud Conception in Islamic Criminal Canon of Aceh-Indonesia and Brunei Darussalam", Kanun: Jurnal Ilmu Hukum, Vol. 19, No. 1 (2017), p. 42.

44. *Ibid*, p. 36.

45. *Ibid*, pp. 30 & 40.

در زمینه مجازات محارب، حنفیه و حنابله معتقدند اگر محارب تنها موجب ارباب شود و مال کسی را نبرده و قتلی انجام نداده باشد، مجازات وی حد نفی بلد است تا زمانی که توبه کند.<sup>۴۶</sup> مالکیه نیز در این صورت به‌طور مطلق قائل به تخییر میان مجازات‌های چهارگانه هستند.<sup>۴۷</sup> فقهای شافعی در این حالت قائل به حبس تعزیری هستند به مدتی که قاضی تشخیص دهد.<sup>۴۸</sup> موضع اخیر در ماده ۳۰۷ قانون یمن، مواد ۱۰ و ۲۳ به ترتیب از قوانین ایالتی کلانتان و ترینگانو پذیرفته شده است.

مجازات قتل عمد از نظر مذاهب حنفیه و مالکیه تنها قصاص است و جایگزینی آن با دیه مستلزم رضایت جانی است، اما شافعیه به تخییر ولی دم میان قصاص و دیه معتقدند، هرچند قاتل تراضی نماید.<sup>۴۹</sup> ماده ۲۳۴ قانون یمن و مواد ۲۸ و ۳۱ به ترتیب از قوانین ایالتی کلانتان و ترینگانو بر اساس فقه شافعی، دیه را به‌عنوان مجازات قتل عمد بدون اشتراط به رضایت جانی پذیرفته‌اند.

در فقه شافعی زنا و لواط هر دو مشمول حد زنا هستند<sup>۵۰</sup>، این در حالی است که در مذاهب دیگر نظیر حنفیه نزدیکی از دبر حتی اگر با زن نامحرم صورت گرفته باشد، تحت عنوان لواط قرار می‌گیرد و موجب تعزیر است.<sup>۵۱</sup> در همین راستا، ماده ۸۲ قانون برونی<sup>۵۲</sup>، مواد ۱۳<sup>۵۳</sup> و ۱۵<sup>۵۴</sup> از قوانین ایالات کلانتان و ترینگانو و ماده ۲۶۴ قانون یمن<sup>۵۵</sup>، ضابطه فقه

۴۶. محمد امین ابن عابدین، رد المحتار علی الدر المختار، ج ۶ (ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ق)، صص ۱۸۴-۱۸۵؛ عبدالله ابن قدامه مقدسی، المغنی، (بیروت: بیت الافکار الدولیه، ۲۰۰۴م)، ص ۲۲۴۷.

۴۷. ابی الولید محمد ابن رشد قرطبی، بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، ج ۲، (بیروت: دارالمعرفه، ج ۶ ۱۴۰۲ق)، ص ۴۵۵.

۴۸. ابی اسحاق ابراهیم فیروزآبادی شیرازی، المهدب، ج ۳، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۶ق)، ص ۳۶۶.

۴۹. عبدالرحمن جزیری، الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب أهل‌البیت علیهم‌السلام، تکملة سید محمد غروی و یاسر مزاح، ج ۵، (بیروت: دارالفتاوی، ج ۱، ۱۴۱۹ق)، ص ۳۸۶.

۵۰. ابی اسحاق ابراهیم فیروزآبادی شیرازی، پیشین، ص ۳۳۹.

۵۱. محمد امین ابن عابدین، پیشین، صص ۶ و ۳۸.

52. Any person who commits liwat is guilty of an offence and shall be liable on conviction to the same punishment as provided for the offence of zina.

53. (1) If the offender who commits adultery is a mohsan, the offender shall be punished by stoning, which is stoned until death with a medium size stones. (2) If the offender who commits adultery is a ghairu mohsan, the offender shall be punished with whipping of one hundred lashes and in addition shall be liable to imprisonment for one year.

54. Whoever commits liwat shall be punished with the same punishment prescribed for zina.

۵۵. «اللوواط هو إتيان الانسان من دبره، و يعاقب اللانط و الملوط ذكراً كان أو أنثى، بالجلد و مائه جلدہ إن كان غير محصن... و يعاقب بالرجم حتى الموت إن كان محصناً».

شافعی را پذیرفته‌اند. شایان ذکر است قانون استان آچه در بند ۲۶ ماده ۱ هرچند همسو با فقه شافعی حکم زنا را اعم از نزدیکی از قبل و دبر با زن می‌داند، لکن برای لواط میان مردان از موازین شافعیه عدول نموده و همسو با حنفیه در ماده ۶۳ با مجازات تعزیری حکم داده است.<sup>۵۶</sup>

در مورد مجازات زناى غیرمحصنه، حنفیه تبعید بزهکار را اختیاری<sup>۵۷</sup>، و مالکیه تبعید تنها شامل مرد زناکار می‌دانند<sup>۵۸</sup>، لکن شافعیه این مجازات را به‌طور الزامی هم برای مردان و هم زنان لازم انگاشته‌اند.<sup>۵۹</sup> موضع اخیر در ماده ۶۹ قانون برونئی و نیز مواد ۱۳ از قوانین ایالات کلانتان و ترینگانو پذیرفته شده، لکن قانون یمن در ماده ۲۶۳ از موضع حنفیه تبعیت نموده است.

در خصوص ماهیت حد قذف و امکان گذشت در آن، حنفیه معتقدند جنبه حق‌اللهمی در آن غالب است؛<sup>۶۰</sup> از این رو، حد قابل گذشت نیست. مالکیه قائل به تفصیل شده، معتقدند تا پیش از اقامه دعوا غلبه با جنبه حق‌الناس است، ولی پس از آن، بعد حق‌الله در آن غالب می‌شود.<sup>۶۱</sup> موضع اخیر در ماده ۲۹۰ قانون یمن که تنها گذشت قبل از طرح شکایت نزد قاضی را مسقط حد می‌داند، پذیرفته شده است. اما شافعیه بر این اعتقادند که جنبه حق‌الناس در این حد غلبه دارد، از این رو با گذشت صاحب حق، حد ساقط خواهد شد<sup>۶۲</sup>؛ موضعی که در مواد ۹۹ قانون برونئی و نیز ۱۸ قانون ایالت کلانتان پذیرفته شده، ولی مقررات ایالت ترینگانو و استان آچه در این زمینه سکوت کرده‌اند.

56. Setiap Orang yang dengan sengaja melakukan Jarimah Liwath diancam dengan 'Uqubat Ta'zir paling banyak 100 (seratus) kali cambuk atau denda paling banyak 1.000 (seribu) gram emas murni atau penjara paling lama 100 (seratus) bulan.

۵۷. علاء‌الدین کاشانی، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، ج ۹، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲، ۱۴۲۴ق)، ص ۲۱۱.

۵۸. ابی‌الولید محمد ابن رشد قرطبی، *پیشین*، ص ۳۳۶.

۵۹. ابی‌اسحاق ابراهیم فیروزآبادی شیرازی، *پیشین*، ص ۳۳۶.

۶۰. علاء‌الدین کاشانی، *پیشین*، ص ۲۴۱.

۶۱. ابی‌الولید محمد ابن رشد قرطبی، *پیشین*، صص ۴۴۲-۴۴۳.

۶۲. أبو زکریا یحیی نووی، *روضه الطالبین و عمده المفتین*، ج ۱۰، (بیروت: المکتب الإسلامی، ج ۳، ۱۴۱۲ق)، ص ۱۰۷.

## نتیجه

نظام کیفری اغلب کشورهای اسلامی بر بنیاد قوانین غربی پایه‌ریزی شده است. در این میان معدودی از این کشورها تلاش کرده‌اند که به سمت وضع قوانین کیفری بر اساس فقه اسلامی گام بردارند. چهار کشور با غلبه جمعیتی شافعی‌مذهب، یعنی اندونزی، بروئی، مالزی و یمن را باید در این بستر مد نظر قرار داد.

قانون‌گذاری کیفری بر اساس منابع اسلامی در کشورهای مورد مطالعه شکلی یکنواخت ندارد؛ به‌گونه‌ای که در بروئی و یمن مقررات یادشده دامنه فراگیری داشته، به‌نحوی که تمام کشور را دربر می‌گیرد، اما در مالزی و اندونزی این مقررات منطقه‌ای بوده، در مالزی برخی ایالت‌ها مانند کالانتان و ترینگانو به شکلی گسترده‌تر و بعضی به صورتی محدودتر در این زمینه به تقنین پرداخته‌اند. در اندونزی نیز تنها در قلمرو استان آچه چنین نهضتی شکل گرفته است. در بعضی از کشورها مانند یمن تقنین دفعی بوده و تلاش شده است کلیه عرصه‌های حدود، تعزیرات، قصاص و دیات را دربر گیرد، و در بعضی نظیر استان آچه اندونزی مدلی تدریجی در این زمینه اتخاذ شده است؛ به شکلی که در مرحله نخست تعدادی از جرایم موجب حد و تعزیر را مورد حکم قرار داده‌اند، و بنا دارند در دو گام دیگر در آینده ابتدا جرایم موجب قصاص و دیه، و در ادامه سایر حدود از جمله سرقت و محاربه را نیز جامعه قانون‌پوشانند.

بررسی قوانین کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد مبنای اصلی در تقنین کیفری بر مقررات فقه شافعی بوده است، لکن در مواردی از مواضع سایر مذاهب اهل تسنن نیز بهره برده‌اند؛ هرچند در این خصوص برخی کشورها مانند بروئی و ایالت‌های مالزی پایبندی بیشتری بر فقه شافعی نسبت به یمن و استان آچه اندونزی داشته‌اند.

## منابع و مأخذ

## الف) عربی

## - کتابها

۱. ابن رشد قرطبی، أبی الولید محمد، *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*، ج ۲، (بیروت: دارالمعرفه، ج ۶، ۱۴۰۲ق).
۲. ابن عابدین، محمد أمین، *رد المختار علی الدر المختار*، ج ۶، (ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۲۳ق).
۳. ابن قدامه مقدسی، عبدالله، *المغنی*، (بیروت: بیت الأفكار الدولیه، ۲۰۰۴).
۴. أوهاییه، عبدالله، *شرح قانون العقوبات الجزائری: القسم العام*، (بی جا: موفم للنشر، ۲۰۰۹).
۵. جزیری، عبدالرحمن، *الفقه علی المذاهب الاربعه و مذهب أهل البيت علیهم السلام*، تکملة سید محمد غروی و یاسر مازح، ج ۵، (بیروت: دارالثقلین، ج ۱، ۱۴۱۹ق).
۶. حسن الشرفی، علی، *شرح الأحكام العامه للتشريع العقابی الیمنی وفقاً لمشروع القانون الشرعی للجرائم و العقوبات*، (قاهره: دار المنار، ۱۹۹۳).
۷. عیاد الحلبي، محمد علی السالم، *شرح قانون العقوبات: القسم العام*، (عمان: مکتبه دار الثقافه للنشر و التوزیع، ۱۹۹۷).
۸. فیروزآبادی شیرازی، أبی اسحاق إبراهيم، *المهذب*، ج ۳، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۱۴۱۶ق).
۹. قصیر، فرج، *القانون الجنائی العام*، (تونس: مرکز النشر الجامعی، ۲۰۰۶).
۱۰. کاشانی، علاءالدین، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، ج ۹، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۲، ۱۴۲۴ق).
۱۱. محمد جمال، علی حسن، *الجرائم المهدره لعصمه الدماء فی قانون الجرائم و العقوبات الیمنی*، اطروحه للدكتوراه، (کوالالمپور: دانشگاه مالایا، ۲۰۰۹).
۱۲. محمود مصطفی، محمود، *اصول قانون العقوبات فی الدول العربیه*، (قاهره: دار النهضه العربیه، ج ۱، ۱۹۷۰).
۱۳. مصطفی محمد، أمین، *قانون العقوبات القسم العام: نظریه الجریمه*، (بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه، ج ۱، ۲۰۱۰).
۱۴. نووی، أبوزکریا یحیی، *روضه الطالبین و عمدہ المفتین*، ج ۱۰، (بیروت: المکتب الإسلامی، ج

۳، ۱۴۱۲ق).

۱۵. یاووز الآق‌طوغانی، یونس وهبی، *حرکه التجدید فی تقنین الفقه الإسلامی: مجله الاحکام العدلیه و قوانین ملاقا الإسلامیه کمثال تجربی*، (بیروت: دار الکتب العلمیه، ج ۱، ۲۰۱۵).

#### – مقالات

۱۶. رنجبر، رضا، وکیل زاده، رحیم، عالی ملک طالش، سلیمان، «رویکرد فازی در نظام شریعت»، *مطالعات حقوقی معاصر*، ش ۳ (۱۳۹۰).

۱۷. مناجه، مخرص، «مبادی الجنائیات الإسلامیه و تطبیقها فی السباق الإندونسی»، *Journal of Indonesian Islam* of سال هفتم، ش ۲ (۲۰۱۳).

۱۸. منیر، بدر، «القانون المعاصر و دوره فی الحفاظ علی المصطلحات العربیه الفقهیه فی أندونسیا: قانون الجنایات الإسلامی فی آتشیه نمودجا»، *اللغه العربیه ودورها فی تطبیق الشریعه الإسلامیه و تنمیة الثقافه الإنسانیة*، ش ۱۱ (۲۰۱۸).

#### ب) انگلیسی

19. Ali Mohamed, Ashgar Ali, "Implementation of Hudud (or limits ordained by Allah for serious crimes) in Malaysia", *International Journal of Humanities and Social Science*, Vol. 2, No. 3 (2012).
20. Cammack, Mark, "The Punishment of Islamic Sex Crimes in A Modern Legal System: The Islamic Qanun of Aceh, Indonesia", *Southwestern Law Review*, vol. 45, Issue 3 (2016).
21. Ismail, Faisal Bin Husen and Sulong, Jasni Bin, "The Development and Obstacles in Applying the Islamic Criminal Law in the State of Kelantan, Malaysia", *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, Vol. 8, No. 4 (2018).
22. Janin, Hunt and Kahlmeyer, *André, Islamic Law: The Sharia from Muhammad's Time to the Present*, (North Carolina: McFarland, 2015).
23. Maburur, Aharis and Muhammad, Rusjdi Ali and Din, Mohd (2017), "Hudud Conception in Islamic Criminal Canon of Aceh-Indonesia and Brunei Darussalam", *Kanun: Jurnal Ilmu Hukum*, Vol. 19, No. 1 (2017).
24. Marshall, H., "The Penal Code of the Somali Democratic Republic", *the International and Comparative Law Quarterly*,

- Vol. 21, No. 1 (1972).
25. Maxwell, Joseph Renner, "Modes of Legislation in the British Colonies: The Gambia", *Journal of Comparative Legislation and International Law*, Vol. 1 (1897).
26. Mohamad, Abdul Hamid, "Implementation of Hudud in Brunei: Differences between Brunei and Malaysia", *Islam and Civilisational Renewal*, Vol. 5, No. 2 (2014).
27. Phillips, Edward, "The Codification Enterprise: Principled Law Reform and the Indian Penal Code", *Jersey and Guernsey Law Review*, Issue 2 (2017).
28. Rachman, Taufik, *Can the Indonesian criminal justice system be enhanced by replacing the mandatory prosecution system with a discretionary one, like that used in Australia?*, the degree of Doctor of Philosophy, Melbourne: Victoria University, (2016).

#### ج) منابع الکترونیک

29. "The Prospect of Alternative Sanctions in Indonesia, Muladi Universitas Diponegoro Semarang Indonesia", (2017), Available at: <<https://aic.gov.au/sites/default/files/publications/proceedings/downloads/12-muladi.pdf>>. last visited on 7/19/ 2019.

#### د) قوانین

۳۰. قوانین کیفری شرعی ایالتی مالزی، قابل دسترس در:  
<<http://www.esyariah.gov.my/portal/page/portal/Portal%20E-Syariah%20BI/Portal%20E-Syariah%20Carian%20Bahan%20Rujukan/Portal%20E-Syariah%20Undang-Undang>>. last visited on 7/19/ 2019, (Malaysia).
۳۱. قانون رقم ۱۲ بشأن الجرائم و العقوبات (۱۹۹۴) یمن:  
Available at: <[https://www.yemen-nic.info/db/laws\\_je/detail.php?ID=11424](https://www.yemen-nic.info/db/laws_je/detail.php?ID=11424)>. last visited on 4/29/ 2019.
32. The Syariah Penal Code Order (2013), Available at: <[http://www.agc.gov.bn/AGC%20Images/LAWS/Gazette\\_PDF/2013/EN/s069.pdf](http://www.agc.gov.bn/AGC%20Images/LAWS/Gazette_PDF/2013/EN/s069.pdf)>. last visited on 5/8/ 2019, (Brunei).
33. Qanun Aceh Nomor 6 Hukum Jinayat (2014), Available at: <





<https://dsi.acehprov.go.id/wp-content/uploads/2017/02/Qanun-Aceh-Nomor-6-Tahun-2014-Tentang-Hukum-Jinayat.pdf>.last visited on 8/31/ 2019, (Indonesia).